

تاریخ جراحی

آشنایی با بنیانگذاران جراحی اعصاب سر ویلیام ماسوان

دکتر حسین صالح*

در یادبود Macewan در سال ۱۹۲۷ در شهر گلاسکو کوشینگ چنین می‌گوید (ما قطعاً روی شانه‌های پیشکسوت‌هایمان ایستاده‌ایم، در یک طرف Macewan و در طرف دیگر Horsley بودند که پایه‌های جراحی نوین مغز را بنا نهادند و بحق باید Macewan را پیشکسوت جراحی مغز نوین دانست).

Sir William Macewan 1848-1924

۷ سال قبل از اینکه هورسلی در National Hospital Queen's Square جراحی مغز را شروع کند، ماسوان پایه‌های جراحی مغز و نخاع را در شهر گلاسکو (اسکاتلند) بنا نهاد. او دوازدهمین فرزند یک خانواده تقریباً دهاتی بود. پدرش ملوان و پیشه‌وری جزء بود. او در جزیره Bute در شمال اسکاتلند در سال ۱۸۴۸ به دنیا آمد و در سال ۱۸۶۹ یعنی همان سالی که ژوزف لیستر شهر گلاسکو را به مقصد ادینبورگ ترک نمود از دانشکده پزشکی فارغ‌التحصیل گردید. بنابراین در سال ۱۸۶۷ که لیستر مقاله خود را درباره اثر کاربولیک اسید در جلوگیری از عفونی شدن زخم‌های جراحی در مجله لانست منتشر کرد ماسوان شاگرد او بود و بیماران او را پانسمان می‌کرد. بعدها او متوجه گردید که آغشته نمودن مداوم زخم‌های جراحی با کاربولیک اسید (فنول) باعث به تأخیر افتادن التیام زخم‌های جراحی می‌شود. ضمناً ماسوان نشان داد که دسته چوبی یا شاخی که در ساخت وسایل جراحی بکار می‌رود، می‌تواند میکروب را در خود نگاهدارد. از این جهت این نوع دسته‌ها را از وسایل جراحی خود کنار گذاشت. او از روپوشی در موقع جراحی استفاده می‌کرد که قابل ضد عفونی شدن بود و همین باعث تمسخر او به وسیله همکارانش گردید.

ماسوان خود تمایل داشت رشته جراحی را پیشه کند و تماس نزدیک او با لیستر این میل را تقویت کرد ولی به علت مشکلات مالی مجبور شد مدتی در اداره پلیس کار کند و همانجا بود که او مقالات متعددی درباره زخم‌های عمیق ناحیه توراکس، شکم و چگونگی درمان زخم‌های حاصله از اصابت گلوله و سایر اجسام فلزی برنده را منتشر نمود. در بین این نوشته‌ها بطور قطع مهمترین آن اغمای الکلیک بود که در سال ۱۸۷۹ منتشر گردید. اهمیت علمی این مقاله خیلی زود در مجامع علمی زمان خود درک گردید، به طوری که به سرعت این نوشته به زبان آلمانی و سایر زبان‌های اروپایی ترجمه گردید. ماسوان در سال ۱۸۷۶ به سمت جراح در Glasgow Royal Infirmary منصوب گردید و دوران ۱۶ ساله‌ای که او در این سمت کار کرد، دوران پربراری از زندگی حرفه‌ای او بود. در سال ۱۸۸۰ برای اولین بار او از آندوتراکتال تیوب بجای تراکتوستومی استفاده کرد و روش جدیدی برای ترمیم هرنی

نویسنده پاسخگو: دکتر حسین صالح

تلفن: ۸۸۷۵۲۶۲۶

* استاد گروه جراحی مغز و اعصاب، دانشگاه علوم پزشکی تهران

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۰۵

اینگوینال ابداع نمود. همچنین کاتکوت کرومیک را که خودش با کمک پرستار اطاق عمل تهیه می‌کرد به دنیای جراحی معرفی گردید. او این کار را تا آخر دوران خدمت جراحی ادامه داد.

دیگر از کارها و نوآوری‌های او تحقیق درباره استخوان بود. این کار هم روی انسان و هم روی حیوان در آزمایشگاه انجام می‌شد، بنابراین پیوند استخوان (Bone Graft) را او برای اولین بار شروع کرد. هم‌چنین برای ترمیم استخوان مجمه (Defect) از تکه‌های کوچک استخوان (Bone Chips) استفاده می‌نمود. در سال ۱۸۹۵ روی یک بیمار مسلول نومونکتومی (Pneumonectomy) نمود. جالب این جاست که این بیمار ۴۶ سال بعد یعنی در سن ۷۰ سالگی مورد عمل جراحی هرنی قرار می‌گیرد و در شهر گلاسکو به جامعه پزشکی معرفی می‌شود. البته این دفعه عمل جراحی را ماسوان انجام ن داده بوده، بلکه جراح دیگری آن را انجام داده بود که ضمن معرفی بیمار یادی هم از ماسوان می‌شود که ۴۶ سال قبل عمل نومونکتومی را روی او انجام داده بوده است.

در مورد جراحی مغز و نخاع او اولین کسی بود که مغز و نخاع را برای یافتن جایگاه ضایعه مورد بررسی قرار داد و با استفاده از تجربه بروکا (Broca) و ورنیکه (Wernicke) که دو ناحیه را در مغز برای کار تکلم مشخص نموده بودند و همچنین آزمایشات هیولینگ جاکسون (Hughlings Jackson) و فریر (Ferrier) توانست با توجه به علائم بالینی بیمار محل ضایعه را در مغز مشخص نماید. اولین بیماری که او با استفاده از یافته‌های علمی فوق توانست محل ضایعه را مشخص نماید، بیماری بوده که دچار ضربه مجمه می‌شود و چندی بعد علائم آبسه مغز در وی ظاهر می‌شود. ماسوان با تفکر قدیمی که به احتمال زیاد آبسه در زیر محل زخم پوست قرار دارد آن ناحیه را باز می‌کند ولی به آبسه‌ای برخورد نمی‌کند. ضمن عمل بیمار دچار حمله صرعی می‌شود که محدود به نیمه راست بدن بوده است و بعد از حمله بیمار کاملاً آفازیک می‌شود.

با مشاهده این حمله ماسوان متوجه می‌شود که محل آبسه در ناحیه حرکتی است و تصمیم می‌گیرد که آن ناحیه را باز کند ولی بستگان بیمار با این کار موافقت نمی‌کنند و بیمار هم بعد از سه روز فوت می‌کند. بستگان بیمار پس از فوت موافقت می‌کنند که ماسوان متوفی را اتوپسی کند و او هم اینکار را می‌کند و آبسه را که درست در همان محلی بوده که او فکر می‌کرده مشاهده می‌کند. این تجربه در سال ۱۸۷۶ اتفاق می‌افتد و او مجبور می‌شود سه سال صبر کند تا بیمار دیگری به وی مراجعه کند. این بار بیمار پسر بچه‌ای بوده که شش روز قبل از تاریخ مراجعه دچار ضربه مغزی می‌شود که اثرات خارجی آن ضربه کاملاً برطرف شده بود که طفل شروع به حملات صرعی می‌کند که از صورت شروع و به دست و پا منتقل می‌شود (در شرح حال راست و چپ ذکر نشده ولی بنظر می‌رسد که سمت چپ بوده، چون ذکر از اختلال تکلم نشده) ماسوان با توجه به نوع حمله صرع ناحیه کورتکس حرکتی را باز کرده و هوماتوم سودورال موجود را تخلیه می‌کند و طفل هم کاملاً بهبودی حاصل می‌کند.

در همان سال، یعنی سال ۱۸۷۹ یک تومور مننژیوم را از ناحیه فرونتال بیماری خارج می‌کند که این بیمار بهبودی کامل حاصل می‌نماید. این بیمار بعد از ۸ سال به علت بیماری دیگری فوت می‌شود. ماسوان این بیمار را اتوپسی می‌کند و ملاحظه می‌کند که اثری از تومور در محل وجود ندارد. بنابراین اولین جراحی تومور مغز در سال ۱۸۷۹ توسط ماسوان انجام می‌شود.

در سال ۱۸۸۸ ماسوان ۲۱ مورد عمل جراحی داخل مجمه نزد بیماران غیرضربه‌ای را منتشر می‌کند که در ۱۸ مورد بیماران بهبودی کامل حاصل کرده بودند. علت اینکه او در گزارش خود کلمه None Traumatic را بکار برده، این بوده که بگوید تشخیص محل ضایعه فقط با علائم بالینی بیمار داده شده بوده است.

این گزارش بعدها در *British Medical Journal* چاپ می‌شود و برای هر بیمار ضمن شرح حال و علائم بالینی نقشه‌ای هم از کورتکس چاپ شده بود که محل ضایعه را نشان می‌داده است. در این گزارش ماسوان تأکید می‌کند که هفت مورد از این بیماران قبل از سال ۱۸۸۳ عمل شده بودند. ماسوان در گزارش سال ۱۸۸۸ خود در مورد ۲۱ مورد عمل جراحی اختصاصی روی مغز و شش مورد جراحی روی ستون مهره‌ای را نیز گزارش می‌نماید که برای پاراپلژی انجام داده بوده است. در این موقع او شهرت بین المللی پیدا کرده بود، به طوری که به او پیشنهاد کرسی استادی جراحی در دانشگاه جانز هاپکینز می‌شود. ماسوان برای پذیرش این پست یک شرط پیشنهاد می‌کند و آن شرط این بوده که امور پرستاری تحت نظر او باشد و چون با توجه به شرایط موجود در آمریکا پذیرش این شرط برای دانشگاه جانز هاپکینز امکان‌پذیر نبود، این پست به Halsted واگذار می‌شود.

ماسوان در گلاسکو باقی می‌ماند و در سال ۱۸۹۲ به عنوان **Regius Professor** مفتخر می‌شود و در سال ۱۹۰۲ به همراه هورسلی به دریافت لقب "سر" مفتخر می‌شود.

در یادبود ماسوان در سال ۱۹۲۷ که در شهر گلاسکو بر پا می‌شود، کوشینگ در سخنرانی خود چنین می‌گوید:
(ما قطعاً روی شانه‌های پیشکسوت‌هایمان ایستاده‌ایم، در یک طرف ماسوان و در طرف دیگر هورسلی بودند که پایه‌های جراحی نوین مغز را بنا نهادند و بحق باید ماسوان را پیشرو جراحی مغز دانست).